**چکیده**

در چهار قرن اخیر شاهد تغییرات و دگرگونی‏های پرشتاب، اثر گذار و بنیادین در حوزه‏ی زیست انسانی بوده و هستیم. مدرنیته، که برآمده و برساخته‏ی تحولات نامبرده می‏باشد، تقریبا تمامی شؤون زندگی بشر را پوشش و تحت تأثیر قرار داده است، مدرنیته هویت سیال و مرکب داشته و به همین جهت تغییرها و تاویل‏های مختلف را برتابیده است. اما با وجود تنوع تصویری و تفسیری، آن را این گونه می‏توان معنا کرد:   
مدرنیته روش اندیشیدن و زیستن است که مؤلفه‏های اصلی آن را خردورزی، تغییر و پیشرفت می‏سازد.   
از مدرنیته، به معنای یاد شده، معمولاً دو قرائت ارائه شده است:   
1) مدرنیته پروژه‏ای غربی است.

2) مدرنیته پدیده‏ای انسانی است که در غرب زایش و رویش داشته و از مختصات فکری و ساختاری نیز برخوردار می‏باشد.   
در این نوشتار که پیرامون سازگاری اسلام و مدرنیته در دیدگاه استاد مطهری نگاشته شده است، استاد با خوانش اول مخالفت می‏ورزد. اما خوانش دوم از مدرنیته در تفکرات استاد قابل بازیابی و بازخوانی می‏باشد.   
مدرنیته با تغییر می‏آغازد؛ اما تغییر سامان‏مند و مشخص در حوزه‏ی اندیشه، انگیزه، رفتار و ساختار. تغییر در اندیشه به خردورزی و خرد باوری بشری و در انگیزه به استیلای معرفتی و متقن و در رفتار به نهادمندی و مدیریت سازمانی نمود بیرون یافت. استاد مطهری منطق اسلام را در مورد تغییرات یاد شده یکسان نمی‏داند. تغییر رفتاری را مادامی که در خدمت انسان باشد از نظر اسلام ممدوح و مقبول می‏خواند. استاد مطهری برای خرد انسانی جایگاه رفیع ترسیم می‏کند و ریشه‏ی آن را به اسلام مستند می‏سازد و اندیشه‏ی خرد ورزانه را نتیجه بخش و کم ریسک می‏یابد، تا جایی که عقل را یکی از منابع و مبادی استنباط احکام دانسته و اجتهاد را موتور محرکه‏ی اسلام می‏خواند و با جریان‏های عقل ستیز در اسلام به شدت برخورد فکری می‏کند و به علم و تکنیک، که گونه‏هایی از خردورزی انتقادی (نه به معنای پوپری آن) است، روی می‏آورد. استاد تغییر در انگیزه‏ها را، که عمدتا با زبان مقاصد و اهداف بیان می‏شوند، از نظر اسلام می‏پذیرد، ولی همه‏ی آنها را اولاً مقاصد میانی می‏داند، نه نهایی و ثانیا با رویکرد انتقادی به مبادی و مبانی اندیشه، یعنی خرد ورزی که مادر پیشرفت می‏باشد، بر این باور است که ریشه‏ی توسعه‏ی بیرونی، توسعه‏ی درونی و انسانی است و دقیقا در همین جا نقش دین و ایمان در کنار عقلانیت بشری پررنگ شده و جهت پیشرفت و تغییرات را سالم می‏سازد.   
در نهایت ایشان میان اسلام و مدرنیته سازگاری می‏بیند، نه تعارض و تخاصم.

**واژه های کلیدی:** اسلام، تولید علم، مدرنیته، پسامدرنیته

اثرات اسلام ناب در جهت دهی تولید علم در دوران مدرنیته و پسا مدرنیته نویسندگان

نویسندگان:

ا-علی نجاتبخش اصفهانی\*

2-عاطفه خدا قلی\*\*

3-سمیه شهبازی\*\*\*

* دانشیاروعضو هیات علمی دانشگاه پیام نور و معاون پژوهشی مرکز تاد به آدرسهای های زیر

پیام نور صندوق پستی (19395-3697 ،تهران،ایران) نویسنده مسئول

ومرکز تاد  [mptad.ir / ویا mptad1396@gmail.com](mailto:%20%20%20%20mptad.ir%20%20/%20ویا%20%20%20%20%20mptad1396@gmail.com)

آدرس الکترونیکی [hany.orveh@gmail.com](mailto:hany.orveh@gmail.com)

\*\* کارشناس ارشد رشته مدیریت دانشگاه علامه طباطبایی (ره)

\*\*\*کارشناس ارشد رشته مدیریت دانشگاه علامه طباطبایی(ره)